

## وصیت نامه

فشار خون بالای من که بالاتر نیز می رود وضع راستین تندرستی ام را بر نزدیکانم می پوشاند. من فعالم و دارای توانایی کار، ولی روز واپسین چندان دور نیست. این سطور پس از مرگ من انتشار خواهد یافت.

نیازی ندارم که یک بار دیگر در این جا افتراهای پست و تنگ نظرانه استالین را رد کنم. شرافت من به عنوان یک انقلابی، خدشه ناپذیر است. من هیچ گاه، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، حاضر نشدم با دشمنان طبقه ی کارگر توافق های سری یا حتی مذاکرات پنهانی به کنم. مخالفان استالین، هزار هزار قربانی این افتراهای بی اساس گشته اند.

نسل انقلابی جدید شرافت سیاسی این قربانیان را به دانان باز خواهد گرداند و با دژخیمان کرملین، همان سان که سزاوارند، تصفیه حساب خواهد کرد. من از همه ی دوستانی که در دشوارترین ساعات زندگی وفادار در کنارم ایستادند سپاس گذاری می کنم. نمی خواهم نام کسی را در این جا یاد کنم، چرا که نام بردن همه ی آن ها را نمی توانم. ولی فکر می کنم اگر استثنایی قائل شوم و از همسر «ناتالیا ایوانوناسدوا» نام به برم عادلانه رفتار کرده ام.

بر نیک بختی من، یعنی مبارزی در راه سوسیالیزم بودن، سرنوشت این نیک بختی را نیز افزود که شوهر او باشم. او در راه مشترک زندگی چهل ساله مان یک سرچشمه پایان ناپذیر عشق، بزرگ منشی و ظرافت بود.

وی رنج های بزرگی را، به ویژه در سال های آخر زندگانیمن، تحمل کرد. وی با این همه، این اندیشه که او روزهایی توأم با نیک بختی نیز داشته است مرا سبک بار می کند.

من چهل و سه سال تمام یک انقلابی آگاه ماندم. چهل دو سال تمام در زیر پرچم مارکسیزم مبارزه کردم، اگر بنا بود کار را از نو آغاز کنم، طبیعی بود که می کوشیدم از این یا آن اشتباه به پرهیزم، ولی خط اصلی را هرگز تغییر نمی دادم. من به عنوان یک انقلابی پرولتری، یک مارکسیست، یک ماتریالیست و معتقد به دیالکتیک و ناچار یک خدا نشناس (Alheist) اشتباه ناپذیر خواهم مُرد. اعتقاد به یک آینده ی کمونیستی، امروز در من قوی تر از ایام جوانی است.

ناتاشا پنجره رو به حیاط را بیشتر گشوده است تا هوا بهتر به اتاقم وارد شود. من می توانم چمن سبز و درخشان را پایین دیوار به بینم و آسمان روشن و آبی را و همه جا آفتاب را. زندگی زیباست، امید است نسل آینده آن را از هر چه پلیدی، اختناق و زورگویی است به پالاید و از آن لذت به برد.

ال. تروتسکی

۲۷ فوریه ۱۹۴۰ کویواکان

### وصیت نامه

همه ی دارایی من پس از مرگم (حق تألیف برای کتاب ها و نوشته ها و مقالات و غیره) به زلم ناتالیا ایوانوناسدوا تعلق می گیرد.

ال. تروتسکی

۲۷ فوریه ۱۹۴۰

اگر هر دو ما بمیریم: (بقیه ی صفحه نوشته نیست)

۳ مارس ۱۹۴۰

از نوع بیماریم (فشار خون بالا و بالا رونده) پی می برم که به مرگی ناگهانی خواهم مرد و به احتمال قوی -این هم باز نظر شخصی خودم است- در اثر خونریزی مغزی. این بهترین پایانی است که می توانم برای خود آرزو کنم. ولی ممکن است اشتباه کنم (نمی خواهم کتاب های مربوط بدین موضوع را به خوانم و بدیهی است که پزشک حقیقت را به من نمی گوید). ولی اگر فساد شریان نبض موجب علیل شدنم گردد (در حال حاضر وجودم پُر است از انرژی روحی که از فشار خون بالا ناشی است و خیلی دوام نخواهد داشت) به خود این حق را خواهم داد که زمان مرگ خویش را خود تعیین کنم. این «خودکشی» (اگر به توان این لفظ را در مورد وضع من به کار برد) به هیچ وجه نشانه ای از یأس و نومیدی نیست. ناتاشا و من بیش از یک بار درباره ی این مساله گفت و گو کرده ایم که ممکن است دچار حالاتی جسمانی گردیم که کوتاه کردن زندگی، یا به عبارت بهتر تسریع مرگ را، به جا جلوه دهد. ولی من، شرایط مرگم هر طور که باشد، باز هم با اعتمادی خدشه ناپذیر به آینده ی کمونیزم خواهم مُرد. این اعتقاد به انسان و آینده ی او اکنون به من نیروی مقاومتی می دهد که هیچ دینی آن را نمی توانست داد.

لئون تروتسکی ۱۹۳۵

بازنویس: رویا شاپوری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳